

سبک زندگی دینی و شیعی از نگاه امام صادق(ع)

روحیه سخاوتمندی یکی از مهمترین و بارزترین خصوصیات اخلاقی است که در زندگی شیعیان واقعی بروز و ظهور می‌کند، شاخص طلایی که به زندگی دینی افراد رنگ و بوی الهی و قدسی می‌بخشد.

روحیه سخاوتمندی یکی از مهمترین و بارزترین خصوصیات اخلاقی است که در زندگی شیعیان واقعی بروز و ظهور می‌کند، شاخص طلایی که به زندگی دینی افراد رنگ و بوی الهی و قدسی می‌بخشد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه- علی بیرانوند: یکی از مسائل مهمی که بسیاری از محبان و طرفداران فرهنگ و اندیشه اسلامی سعی و تلاش دارند که زندگی خود را با آن تطبیق دهند، شاخص های شیعه واقعی است. برخی افراد این چنین گمان می‌کنند که به صرف اینکه مدعی دوستی و طرفداری اهل بیت (علیهم السلام) شوند در زمره شیعیان واقعی قرار خواهند داشت؛ این در حالی است که با رجوع و دقت در منابع و روایات اسلامی متوجه می‌شویم که شیعه واقعی دارای ملاک و معیارهای خاصی است که سبک زندگی افراد را از سایرین متمایز می‌سازد.

مرز میان شیعه و محب اهل بیت (ع)

وقتی روایات اسلامی را مورد مطالعه و واکاوی قرار می‌دهیم به این نکته پی می‌بریم که تفاوت های مشخصی بین شیعه و محب در منابع روایی ذکر شده است. این موضوع در روایات متعددی قابل مشاهده است، برای نمونه پس از آنکه مسأله ولایت عهدی امام رضا (ع) مطرح شد و آن حضرت به مرو عزیمت نمود، محبان و دوستداران خورشید هشتم، دسته دسته جهت عرض ارادت و تبریک و دوستی خدمت ایشان شرف یاب می‌شدند، در یکی از موارد وقتی گروهی خود را شیعه حضرت معرفی کردند و اجازه مشرف شدن به آستان ملکوتی حضرت را درخواست کردند، به آنها اجازه داده نشد، به طوری که علی رغم اصرار به ملاقات، این موضوع تا سه روز به تأخیر می‌افتد، وقتی که دوستان حضرت، علت سلب توفیق خود را جویا می‌شوند، علت را عدم صداقت در شیعه بودن معرفی می‌نمایند! [۱] که این خود نشان دهنده تفاوت بین شیعه بودن و محب بودن می‌تواند داشته باشد.

سكانس هایی از سبک زندگی دینی از نگاه امام صادق (ع)

در روایت دیگری امام صادق (ع) نیز موضوع سبک زندگی شیعی را پیش کشیده و به برخی از خصوصیات و ویژگی های شیعه واقعی و راستین اشاره فرموده اند در ادامه به برخی از این ویژگی ها اشاره خواهیم داشت.

ویژگی اول: گشاده دستی و روحیه سخاوتمندی

روحیه سخاوتمندی یکی از مهمترین و بارزترین خصوصیات اخلاقی است که در زندگی شیعیان واقعی بروز و ظهور می‌کند، شاخص طلایی که به زندگی دینی افراد رنگ و بوی الهی و قدسی می‌بخشد، در واقع شیعیان واقعی با بهره گیری از آموزه های قرآنی یکی از روشن ترین و بارزترین وظایف دینی و اجتماعی خود را دست گیری از نیازمندان دانسته و در این خصوص احساس مسئولیت و تکلیف می‌نمایند و در جهت رفع نیازها و حوائج همنوعان همواره پیشگام و پیشتاز هستند، «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ [۲] و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود!». موضوع مهمی که جلوه هایی از آن را در بحران کرونایی اخیر می‌توان در رزمایش همدلی و مواسات مشاهده کرد. در روایتی زیبا این ویژگی طلایی شیعیان واقعی این چنین منعکس شده است: «يَا ابْنَ جُنْدَبٍ إِنَّمَا شِيعَتُنَا يُعْرَفُونَ بِخَصَالِ شَتَّى يَالسَّخَاءَ وَ الْبَدَلِ لِلْإِخْوَانِ؛ [۳] ای پسر جندب، به راستی پیروان ما به چند خوی شناخته شوند: به سخاوت و به بخشش بر برادران».

ویژگی دوم: عبودیت حقّ تعالی با تأکید بر نوافل

یکی دیگر از خصوصیات بارز شیعیان واقعی اهتمام خاص به عبودیت حقّ تعالی و پایبندی به نوافل روزانه است، نوافل یومیه که در منابع روایی ۵۱ رکعت ذکر شده است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) این چنین از آن یاد شده است. «وَأَنَّ يُصَلُّوا الْخَمْسِينَ لَيْلًا وَ نَهَارًا؛ [۴] اینکه شبانه و روز پنجاه رکعت نماز گزارند». طبق این روایت کسی که خود را شیعه واقعی می‌داند می‌بایست، عبودیت و بندگی حقّ تعالی شاخص اصلی زندگی دینی او باشد، به گونه

ای که در پابندی به نوافل یومیه از دیگران گوی سبقت را برآید. این چنین افرادی به خوبی با فلسفه خلقت انسان که همان عبودیت و بندگی حق تعالی است آشنایی کافی و وافی دارند؛ از این رو برای نماز و تعظیم در برابر معبود خود جایگاه ممتازی قائل هستند.

ویژگی سوم و چهارم: خوش زبان و پرهیز از پرخاشگری و طمع ورزی

در فرهنگ ملل مختلف و حتی ایران خودمان مرسوم است که بعضی از صفات خوب و یا بد به حیوانات نسبت داده می شود مثلاً معروف است که سگ در میان حیوانات حمله کننده و پارس کننده است یعنی وقتی فرد ناشناسی را می بیند به او یورش برده و حمله می کند، این حالت سگ نشانگر روحیه پرخاش گری است. امام صادق (علیه السلام) در روایتی در خصوص ویژگی شیعیان واقعی می فرماید: «شِيعَةٌ لَا يَهْرُونَ هَرِيرَ الْكَلْبِ وَ لَا يَطْمَعُونَ طَمَعَ الْغَرَابِ؛ [۵] شیعیان ما، چون سگ زوزه بر نیارند و چون کلاغ طمع ندارند». این عبارت نورانی به این معنا است که شیعیان واقعی هیچ گاه نه در صد آزار و اذیت دیگران بر می آیند، و نه به مال دیگران چشم طمع می دوزند. این شاخص مهم در آیات قرآن کریم نیز به خوبی بیان شده است: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ [۶] و به مردم نیک بگویید».

ویژگی پنجم و ششم: عزت نفس در برابر دشمنان و دوری از آنان

از خواری و پستی همواره در جامعه مایه سربلندی و موفقیت در مراحل مختلف زندگی بوده است، این شاخص مهم در سبک زندگی دینی موجب می شود، طمع ورزی در زندگی انسان برچیده شود و دست نیاز به سوی دیگران حتی نزدیکان کشیده نشود. هر چند انسان در زندگی اجتماعی بی نیاز از کمک و یاری هم نوعان نیست، ولی این موضوع در سبک زندگی دینی و در سلوک شیعه گری به گونه ای است که هیچ گاه دست نیاز و یاری به سوی دشمنان قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) کشیده نمی شود و آنان به عنوان تکیه گاه زندگی انتخاب نمی شوند؛ کما اینکه باری تعالی خطاب به مسلمانان این چنین بیان فرموده است: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ [۷] و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی شوید!». این شاخص مهم دینی در روایتی از امام صادق (علیه السلام) این چنین مورد اشاره و بیان قرار گرفته است: «لَا يُجَاوِرُونَ لَنَا عَدُوًّا وَ لَا يَسْأَلُونَ لَنَا مَبْغِضًا وَ لَوْ مَأْتُوا جُوعًا شِيعَةً؛ [۸] دست سوال به سوی دشمن ما دراز نمی کنند گرچه از گرسنگی جان دهند». باید به این موضوع توجه داشته باشیم هر گونه ابراز نیاز و گرایش به سوی کشورهای استکباری در تضاد جدی با این رهنمود امام صادق (علیه السلام) قرار دارد، در واقع راه علاج رفع نیازها ایستادگی مقاومت و تلاش در جهت خود کفایی است، نه تکیه و تمایل به کشورهای استکباری.

پی نوشت ها:

[۱]. وسایل الشیعه ج ۱۶ ص ۲۱۷، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ص ۳۱۲، بحارالانوار ج ۶۸ ص ۱۵۷. «أَنَّ الرِّضَا عَ جَقًا جَمَاعَةً مِنَ الشِّيعَةِ وَ حَبَبَهُمْ فَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا هَذَا الْجَقَاءُ الْعَظِيمُ وَ الْإِسْتِحْقَافُ بَعْدَ الْحِجَابِ الصَّغْبِ قَالَ لِدَعْوَاكُمْ أَتُكْمُ شِيعَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع- وَ أَنتُمْ فِي أَكْثَرِ أَعْمَالِكُمْ مَخَالِفُونَ وَ مَقْصِرُونَ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْغَرَائِضِ وَ تَتَهَاوُونَ بِعَظِيمِ حُقُوقِ إِخْوَانِكُمْ فِي اللَّهِ وَ تَتَّقُونَ حَيْثُ لَا تَحِبُّ التَّقِيَّةَ وَ تَتْرُكُونَ التَّقِيَّةَ حَيْثُ لَا بُدَّ مِنَ التَّقِيَّةِ».

[۲]. ذاریات/۱۹.

[۳]. تحف العقول، ص ۳۰۳.

[۴]. همان.

[۵]. همان.

[۶]. بقره/۸۳.

[۷]. هود/۱۱۳.

[۸]. تحف العقول، ص ۳۰۳.